

درباره

خانه‌های فرهنگ



لاله تقیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فکر ایجاد خانه‌های فرهنگ و تصمیم به ساختن مراکزی برای انجام فعالیت‌های گوناگون اجتماعی اکنون در ایران به واقعیت می‌پیوندد و مسلماً تأثیری که این گونه مراکز در هر اجتماعی می‌تواند و می‌باید داشته باشد بر کسی پوشیده نیست. اما باید دیدخانه فرهنگ در جوامع امروز ما چگونه خواهد بود و چرا ما به این خانه نیاز داریم. اجرای کدام برنامه‌ها را باید در این خانه‌ها عملی ساخت و چگونه می‌توان به هدف‌ها دست یافت.

نیاز ما به خانه فرهنگ یا هر نوع مرکز فرهنگی امری است مسلم، چرا که در اکثر نقاط ایران به دلیل وضعیت‌های خاص طبیعی و اجتماعی چون اوضاع تاریخی، اقلیمی، اخلاقی، مذهبی، سیاسی و مهم‌تر از همه اقتصادی برای مردم امکان آشنائی با بسیاری از تظاهرات فرهنگی و هنری وجود نداشت و فرهنگ اجتماعی مردم در اغلب مناطق محدود به برخی آداب و رسوم سنتی و هنرهای بومی بود. بنابراین اهمیت خانه فرهنگ به‌عنوان

یک مرکز فعال اجتماعی برای شناخت و عرضه فعالیت‌های فرهنگی و هنری به مردم و ایجاد زمینه‌هایی که رشد فرهنگی جامعه را به دنبال خواهد داشت نمی‌توان نادیده گرفت. برای عملی ساختن این طرح توجه به موقعیت کنونی ایران اهمیتی خاص دارد.

موقعیت جغرافیائی ایران، با وسعت زیاد و دور بودن شهرها از یکدیگر، همچنین گذشته تاریخی آن باعث شده که مردم ما در هر قسمت از ایران با تفاوت‌های فراوان از نظر آداب و سنت‌ها، کیفیت زندگی، زبان، لباس و در نتیجه با گرایش‌های اجتماعی گوناگونی دیده شوند. در چنین شرایطی تمایلات مردم به تظاهرات اجتماعی و انعطاف‌پذیری در برابر هر پدیده تازه‌ای نیز متفاوت است. بنابراین خانه‌های فرهنگ اگر بخواهد مرکز تجمع افراد اجتماع و محل برخورد‌های ذهنی و انسانی مردم باشد نمی‌تواند از لحاظ برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و آفرینشی در همه‌جا یکسان مورد توجه

قرار گیرد .

سه - خانه فرهنگ ، طبق واقعیت و نیازهای موجود اجتماع .

نظر نخستین ، یعنی چگونگی خانه فرهنگ ایده آل ، ارائه ، طرح دقیق تر ، مبتنی بر مطالعات تحقیقات و پژوهش های بسیار مفصل را در محل ضروری می داند . این پژوهش ها بطور کلی به قرار زیر است :

بررسی چگونگی خصوصیات شهر مورد نظر ، با توجه به تاریخ ، موقعیت و شرایط اقلیمی ، تاریخ فرهنگ و سنت های معمول در آن ، پژوهش در باب فعالیت های هنری موجود و انتخاب یکی از

آنها به عنوان فعالیت « پایه » که بتوان به آن مرکزیت داد و دیگر فعالیت ها را در کنار آن مورد توجه داشت ، انتخاب زمین خانه فرهنگ در محل هایی که عبور و مرور بیشتری در آن وجود دارد ، آینده نگری از نظر فعالیت های فرهنگی و هنری که در شهر مورد نظر امکان اتفاق دارد ، و دوراندیشی در موقعیت شهر ، در نظر داشتن کیفیت ظاهری ساختمان ، قرار گرفتن تالارها کنار یکدیگر ، ظرفیت آنها و حتی جنس ساختمان در یک خانه فرهنگ ایده آل که به این دقت مسائل مختلف را در نظر دارد ، به مواردی چون پیش بینی فضائی برای امکان عمل هنرهایی که احتمالاً بعدها در شهرها نمود خواهد کرد توجه دارد ، تا آنجا که مسائل علمی و وسائل مربوط به پرورش جسم نیز در طراحی خانه ها پیش بینی شده است .

نظریه دوم برای ایجاد خانه فرهنگی که بتواند

بر مبنای آنچه در مباحث کارگزاران فرهنگی و معماران خانه های فرهنگ مطرح شد و شرح آن نیز از نظر گذشت ، ببینیم ساختمان این خانه ها باید چه خصوصیتی را دارا باشد و بر مبنای کدام شرایط اجتماعی ساخته شود . به چه صورت بهتر می تواند جواب گوی نیازهای اجتماعی ما باشد و نقش فعال و زنده ای را در ایجاد و گسترش فرهنگ ، در نقاط مختلف ایفا کند . به چه مسائلی باید اندیشید .

تأثیری را که روش تحقیق و بررسی برای طرح ساختمان خانه های فرهنگ می تواند در هدف های این خانه ها داشته باشد ، تأثیر فیزیکی و امکانات ساختمانی آن در ایجاد یا گسترش فرهنگ و فعالیت های هنری ، همچنین نتایج قابل اجرای آن را از دیدگاه های مختلف دیدیم که در مجموع شامل دو نظر مکمل یکدیگر بود . این دو نظر که بسیار کلی بیان شد ، هر یک به طریقی یک خانه فرهنگ ایده آل را مورد توجه داشت و لازم است به نکات مهم آن توجه دقیق تری بکنیم و امکان عمل آنها را مورد بررسی قرار دهیم . این بررسی به سه قسمت کلی تقسیم می شود .

یک - روش تحقیق و مطالعه برای شناخت های اجتماعی مورد نیاز معمار .

دو - چگونگی خانه فرهنگ ایده آل و معیارهای انتخاب شده برای آن .

خلاق فرهنگ نیز باشد کمتر به این پژوهش‌ها و پیش‌بینی‌ها توجه دارد و اشاره مستقیم آن به فراهم آوردن امکاناتی است که به‌افزودن امکان‌سازندگی و خلق فرهنگ خاص خودشان را بدهد و به این منظور ساختمان بدون تجهیزات کامل را پیشنهاد می‌کند. به این معنی که ساختمان نباید هنرها و فعالیت‌های فرهنگی خاص را، در مکان‌هایی از پیش انتخاب شده محدود کند و مردم را نیز وادار تا این تظاهرات اجتماعی را بپذیرند، بلکه می‌بایست فعالیت‌های درون خانه فرهنگ را اجتماع بیافریند و بعد برای تکمیل آن تجهیزات کامل‌تری ساخته شود.

به این ترتیب مورد اول برای کار این مراکز به یک برنامه‌ریزی دقیق و پیش‌بینی شده از نظر عرضه فعالیت‌ها و آموزش نیاز دارد و اگر احتمالاً برنامه‌های طرح شده برای آن عیناً به اجرا در نیاید؛ مسلماً قسمتی از آن بدون استفاده خواهد ماند. و در مورد دوم خانه فرهنگ بر پایه اتفاق شکل خواهد گرفت و خلاقیت و آموزش تنها در تجربه امکان اتفاق می‌یابد.

حال باید با توجه به هدف اساسی و واقعی خانه‌های فرهنگ در ایران ببینیم کدام یک از موارد بالا بهتر می‌تواند در محدوده کارخانه‌های فرهنگ ما قرار گیرد.

هدف خانه‌های فرهنگ، فراهم آوردن امکانات و تجهیزاتی است، برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری در شهرهای مختلف، در انواع مختلف و در سطوح مختلف که در آن سه اصل مهم مورد توجه است:

۱ - فعالیت‌های نمایشی (آفرینش) : که شامل اجرای آثار نمایشی، تشکیل نمایشگاه‌ها، نمایش فیلم و از این قبیل خواهد بود.

۲ - فعالیت‌های آموزشی، برای فراگیری اصول مقدماتی هنرها که در اینجا جنبه تخصصی نخواهد داشت.

۳ - گسترش و اشاعه فرهنگ و هنر در منطقه مورد نظر، متأسفانه در گفتگوهایی که با معماران خانه‌های فرهنگ انجام شد مسائل بطور کلی بیان شد و جزئیات ساختمانی یک خانه فرهنگ مطرح نگردید.

به این ترتیب مورد اول بخاطر شناخت بیشتر محیط، بر اساس پژوهش‌ها، قابل اطمینان‌تر است. اما حقیقتاً نیازی نیست تا امروز به مسائل علمی در ارتباط با فرهنگ، باشگاههای ورزشی در کنار آن و بنا فضا سازی برای هنرهایی که نمی‌توان احتمال اتفاق آن را در منطقه پیش‌بینی کرد شکل اساسی بدهیم، چرا که نیازهای ما برای انجام برنامه‌های فرهنگی هنوز نمی‌تواند با ایده‌آل‌های صرف توجیه شود. چون نمی‌توانیم از اهمیت جنبه آموزشی فعالیت‌های خانه فرهنگ بگذریم، نمی‌توانیم نیاز به مقداری تجهیزات نظیر تالار نمایش را نادیده بگیریم و نمی‌توانیم با امید فرهنگ بر پایه اتفاق انتظار بکشیم. از طرفی امکانات برای تجربه در زمینه‌های مختلف نیز خواه ناخواه به مقداری تحقیق و بررسی و ارزیابی محیط نیاز خواهد داشت، اما این نظر از جهتی قابل توجه است، یعنی امکان

شکل گرفتن فرهنگی اصیل و واقعی را با خود دارد .

بنابراین در مجموع ، خانه فرهنگ باید نتیجه تلفیق این دو نظر باشد . یعنی این خانه‌ها نباید با تجهیزات کامل و در سطح مدرن‌ترین تالارهای نمایش جهان ، تالارهای متعدد بیش از نیاز جامعه آغاز به کار کند و همچنین نباید بدون امکانات اجرایی و تأسیسات برای عرضه فعالیت‌های آفرینشی شکل واقعی خود را پیدا کند . به این ترتیب نقش اساسی معمار در فضاسازی خانه‌های فرهنگ اهمیت خاصی می‌یابد ، چرا که در چنین وضعی معمار باید امکان اتفاق پیشرفت‌های فیزیکی ساختمان را پیش‌بینی کند . یعنی ساختمان‌ها یا تالارهای نمایش طوری ساخته شود که بتوان با اضافه و کم کردن وسایل و سطوح مختلف به آن تغییر شکل داد و مطابق با خواست زمان ارائه کرد .

باید متوجه بود که بنای خانه فرهنگ در رابطه مستقیم با هدف‌ها و برنامه‌ریزی آن قرار داد و می‌بایست قبل از شروع کار معماران ، در جلساتی این رابطه مهم ایجاد می‌شد تا کار ساختمان و برنامه‌ریزی آن در هماهنگی با یکدیگر عملی شود ، چرا که تفاوت اعتقادات نسبت به آنچه باید انجام بگیرد مسأله‌ای است که حل آن نیاز به تبادل افکار بر مبنای واقعیات و سیاست‌های فرهنگی دارد .

بنابراین کار خانه‌های فرهنگ بدون برنامه‌ریزی دقیق نتیجه‌ای نخواهد داشت . مسلم است که در اجتماع امروز ایران تحرك و جهش را باید از

جوانان انتظار داشت و باید دید مسائل مهمی که برای جوانان امروز مطرح است و نیازهای مهم او در اجتماع و بخصوص در رابطه با فرهنگ و هنر چیست .

جوان امروز ایران در هر نقطه از مملکت به آموزش در سطحی گسترده و امکاناتی برای گذران اوقات فراغت نیاز بیشتری دارد خوشبختانه خانه‌های فرهنگ پیش از هر چیز دیگر می‌تواند برآورنده مورد دوم (گذران اوقات فراغت) باشد؛ که خواه ناخواه مورد اول (آموزش) را نیز در محدوده خود می‌گیرد . البته آموزش اصول اولیه و غیرتخصصی در مورد هنرهای مختلف در برنامه‌ریزی خانه‌های فرهنگ به دو قسمت بسیار مهم تقسیم می‌شود . اول برنامه‌ریزی برای عرضه فعالیت‌های گوناگون و دوم تنظیم برنامه‌های آموزشی هنر بر مبنای خواست‌های محیط و امکانات موجود .

در مورد تنظیم چنین برنامه‌هایی ، می‌توان از تجربیات کارشناسان تئاتر شهرستان‌ها ، بهترین بهره را گرفت . ما امروز تا حدودی از کیفیت فعالیت‌های مهم‌تر شهرستان‌ها اطلاع پیدا کرده‌ایم و از میان آنها فیلم‌سازی ، تئاتر ، ادبیات ، رقص و موسیقی بیشتر مورد توجه است که می‌توان هر یک را در منطقه‌ای به عنوان فعالیت پایه پذیرفت . و حتی به اهمیت ایجاد کتابخانه ، قهوه‌خانه ، و یا مراکز تجمع نظیر این در بعضی مناطق پی برده‌ایم . اما برای دست یافتن به جزئیاتی که بتواند در برنامه‌های فرهنگی این خانه‌ها مورد استفاده قرار گیرد ، می‌توان از گروه‌های تحقیقی جامعه‌شناسی

استفاده کرد. در حال حاضر تنها منبع تحقیقی و یا اطلاع از امکانات یا مشکلات شهرستان‌ها کارشناسان تئاتر هستند.

همچنین دو مورد مهم برنامه‌ریزی خانه‌های فرهنگ و هنر، مطرح‌کننده بزرگترین احتیاج این مراکز برای استفاده از یک کادر آموزشی مجهز (معلمین هنری) و مدیریت صحیح، (کارگزاران فرهنگی) است.

از دیگر مسائل مطرح شده در جلسه بحث با کارشناسان تئاتر، توجه به برخی مسائل مهم اجتماعی است، که مسلماً در کیفیت طرح برنامه‌های خاص آنها تأثیر بسیار خواهد داشت، از آنجمله است، تأثیر معتقدات قشری در بعضی شهرها، یا اصول اخلاقی متداول در منطقه. همچنین ایجاد رابطه سالم فرهنگی در اکثر نقاط ایران ممکن نخواهد شد، مگر با همکاری مستقیم و مستمر مؤسساتی نظیر آموزش و پرورش و سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران.

حمایت از گروه‌های وابسته به فعالیت‌های خانه‌های فرهنگ مسأله درخور توجهی است که به‌گسترش و اشاعه فرهنگ یاری خواهد کرد.

این مسائل مهم اجتماعی بیش از هر چیز لزوم وجود کارگزاران فرهنگی و ضرورت برنامه‌ریزی صحیح برای تربیت آنها را دربر می‌گیرد. اهمیت نقش کارگزار فرهنگی، شاید مهم‌ترین مسأله‌ای است که باید در مورد خانه‌های فرهنگ مورد توجه قرار گیرد. انتخاب این اشخاص (با استفاده از اطلاعات و تجربه‌های کارشناسان تئاتر که به

موقعیت مناطق مختلف آشنائی بیشتری دارند) بهتر است از میان افراد علاقمند و مورد اعتماد هر منطقه باشد. اما تربیت کارگزار فرهنگی و آماده ساختن مردم هر منطقه برای شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری (که به این منظور می‌توان از کارشناسان تئاتر در شهرستان‌ها بهترین بهره را گرفت) باید هم‌زمان و هم‌آهنگ با برنامه‌ریزی خانه‌های فرهنگ که کم‌وبیش طرح آن تهیه شده، صورت گیرد چرا که بعد از آماده شدن ساختمان‌های خانه فرهنگ فعالیت در زمینه‌های آموزشی، و گسترش امور فرهنگی باید با توجه به نیازهای اجتماعی دنبال شود. و این امور خواه ناخواه وابستگی بسیار شدید با یکدیگر پیدا می‌کند.

کارگزار فرهنگ باید به اصول اولیه هنرها آشنائی داشته باشد، و به اهمیت هر یک از آنها در محل کار خود ارزش خاصی بدهد. او الزماً هنرمند نیست، بلکه قبل از هر چیز یک مدیر هماهنگی میان برنامه‌ها و یک شخصیت اجتماعی برای ایجاد رابطه میان مسائل فرهنگی و هنری و مردم است. باید از امروز به فکر آماده کردن آنها برای انجام این وظیفه مهم اجتماعی بود.

در نظر داشته باشیم، همانطور که فعالیت‌ها مشابه نیست، کارگزاران نیز نمی‌توانند با یک برنامه مشابه تربیت شوند. به این منظور قبل از هر چیز باید تحقیق کامل‌تری در شناخت نیازهای جوامع مختلف به انجام رساند و با توجه به نتیجه این بررسی‌ها اشخاصی را برگزید و برنامه‌های تربیتی را برای آنها مطرح کرد.